

استعاره‌های مفهومی جهتی در زبان فارسی:

تحلیلی شناختی و پیکره‌مدار

کامیار جولایی^۱

سید مصطفی عاصی^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی استعاره‌های مفهومی جهتی^۳ در پیکره‌ای نمونه از زبان فارسی است. در این پژوهش تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از پایگاه داده‌های زبان فارسی^۴، پیکره‌ای از متون نوشتاری زبان فارسی معاصر که شباهت بیشتری به زبان روزمره سخنوران دارد، نمونه‌گیری و استعاره‌های مفهومی^۵ نهفته در آن استخراج گردد. سپس این استعاره‌ها بر اساس طبقه‌بندی لیکاف و جانسون^۶ (۱۹۸۰)، در قالب استعاره‌های «ساختاری»^۷، «هستی‌شناختی»^۸، «جهتی» و نیز طبقه‌ای از استعاره‌های مفهومی که لیکاف^۹ و ترنر^{۱۰} (۱۹۸۹)، تحت عنوان «استعاره‌های تصویری»^{۱۱} معرفی کردند، دسته‌بندی می‌شود. در گام بعدی استعاره‌های جهتی موجود در پیکره استخراج و بسامد هر یک از نام‌نگاشت‌ها^{۱۲} و حوزه‌های مبدأ تعیین می‌شود. تلاش بر این است تا پربسامدترین حوزه‌های مبدأ در طبقه استعاره‌های جهتی تعیین و مشخص شود که فارسی‌زبانان در این طبقه از استعاره‌ها بیشتر از چه حوزه‌های مبدایی برای بیان مفاهیم انتزاعی بهره می‌برند. به عنوان نمونه مفاهیم انتزاعی نظیر کمیت، مواجه شدن و یا تسلط به واسطه جهاتی از فضا و مکان نظیر «بالا و پایین»، «روبرو و پشت» و یا «زیر و رو» درک می‌شوند. در خلال پژوهش، نگارندگان به دلیل بهره‌گیری از پیکره دریافتند که طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) از انواع استعاره‌های مفهومی، ملاک دقیقی برای محک یافته‌ها در پژوهش پیکره‌مدار^{۱۳}

^۱ - کارشناس ارشد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی kamyar582002@yahoo.com

^۲ - استاد، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی s_m_assi@ihcs.ac.ir

^۳ - Orientational Conceptual Metaphor

^۴ - <http://pldb.ihcs.ac.ir>

^۵ - conceptual metaphor

^۶ - Lakoff, G.

^۷ - structural

^۸ - ontological

^۹ - Johnson, M.

^{۱۰} - Turner, M.

^{۱۱} - image metaphor

^{۱۲} - name of the mapping

^{۱۳} - corpus driven

نیست و همچنین یافته‌های پیکره‌ای در زبان فارسی در مواردی اصل یکسویگی^۱ در نظریه استعاره مفهومی را نقض می‌کند.

واژه‌های کلیدی: استعاره مفهومی، زبان‌شناسی پیکره‌ای، استعاره‌های جهتی، استعاره تصویری.

۱- مقدمه

تا پیش از ایجاد پیکره‌های زبانی و بهره‌گیری از امکانات رایانشی در مطالعات زبانی، رویکرد محققان حوزه استعاره به گردآوری داده اغلب بر شم زبانی و مثال‌های ساختگی یا در نهایت بر تعداد محدودی مثال‌های واقعی استوار بود. اما از دهه ۹۰ میلادی به بعد، با گسترش و بهره‌گیری از امکانات رایانه در به کارگیری پیکره‌ها، این روش‌ها جای خود را به استفاده از شیوه‌های پیکره‌ای دادند (دینان^۲، ۲۰۰۸: ۱۵۱). امروزه در دنیا پژوهش‌های فراوانی در حال انجام است که نقطه تلاقی روش‌های پیکره‌ای و زبان‌شناسی محسوب می‌شوند، تا آنجا که استفاده از پیکره‌ها در تحلیل‌های معناشناختی به امری ضروری بدل شده است. یکی از روزآمدترین این روندها، استفاده از پیکره‌ها در حوزه نظریه استعاره مفهومی^۳ است.

این نظریه که با انتشار کتاب/استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم^۴ (۱۹۸۰) اثر لیکاف و جانسون جانسون مطرح شد و جان تازه‌ای در مطالعات معنی‌شناختی، به ویژه معنی‌شناسی شناختی دمید، به تمایز میان نگاه سنتی به استعاره به عنوان ابزار آرایه‌ای و نگاه جدید به عنوان یک ساز و کار ذهنی انجامید و نشان داد که استعاره‌های مفهومی چنان در زبان روزمره فراگیراند که سخنوران از وجود آنها بی‌اطلاع‌اند. در سال‌های اخیر مطالعات فراوانی انجام شدند تا چارچوب نظریه استعاره مفهومی را در زبان روزمره به کار گیرند و فرضیات آن را در زبان روزمره محک بزنند. این دست مطالعات به استفاده از روش‌های پیکره‌ای انجامیده است.

زبان فارسی نیز از این امر مستثنی نیست. اما مسئله درخور توجه، نحوه گردآوری داده‌ها در این دست پژوهش‌ها است. امروزه در کشور ما به همت متخصصان در ایجاد پیکره‌های زبان فارسی امکان بسط رویکرد پیکره‌ای به مطالعات زبانی، از جمله حوزه استعاره فراهم آمده است. از گسترده‌ترین و پرامکانات‌ترین این پیکره‌ها پایگاه داده‌های زبان فارسی است که از سال ۱۳۷۸ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طراحی شده و در این پژوهش نیز منبع استخراج داده‌ها قرار گرفته است. در این پژوهش، نگارندگان با بهره‌گیری از پایگاه داده‌های زبان فارسی، پیکره متوازی از زبان فارسی معاصر را گزینش و در تحلیل پیکره‌مدار انواع استعاره‌های مفهومی نهفته در آن را در چارچوب نظری لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) بررسی کردند. هدف از این پژوهش پاسخ به دو سوال زیر است:

^۱ - unidirectionality

^۲ - Deignan, A.

^۳ - Conceptual Metaphor Theory

^۴ - *Metaphors We Live By*

۱- در پیکره متوازن از زبان فارسی، بسامد انواع طبقات استعاره‌های مفهومی نسبت به یکدیگر چگونه است؟

۲- پرسامدترین حوزه‌های مبدأ در طبقه استعاره‌های مفهومی جهتی در زبان فارسی کدام است؟ قصد بر این است تا مشخص شود که فارسی‌زبانان در زبان روزمره از استعاره‌های جهتی، بیشتر برای بیان چه مفاهیم انتزاعی بهره می‌برند، تا از این رهگذر شناخت بهتری از زبان فارسی و کارکرد ذهنی فارسی‌زبانان به دست آید.

آنچه در این پژوهش مورد توجه است اتخاذ رویکردی پیکره‌مدار در پاسخ به این سوالات بود. امروزه تکیه بر شم زبانی و یا استفاده از پرسشنامه‌ها برای گردآوری داده‌ها، دیگر مورد قبول زبان‌شناسان و پژوهشگران حوزه استعاره نیست. در تایید همین مطلب، دینان نیز معتقد است که تا پیش از به کارگیری پیکره‌ها، مطالعات در چارچوب نظریه استعاره مفهومی به دلیل عدم وجود شواهد تجربی از داده‌های زبان روزمره، قابل انتقاد بودند. اما استفاده از پیکره‌ها در مطالعه استعاره، جنبه‌هایی از نظریه استعاره مفهومی را برای پژوهشگران روشن می‌سازد که تا پیش از آن ناشناخته بوده است (دینان، ۲۰۰۵: ۲۷).

۲- پیشینه مطالعات

از آنجا که پژوهش حاضر به بررسی پیکره‌ای استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی اختصاص دارد، لذا در این بخش به اجمال آثار مطرح در حوزه استعاره مفهومی و پژوهش‌های پیکره‌ای در باب استعاره مفهومی از پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی مطرح می‌شود.

مطالعه در باب استعاره مفهومی از ۱۹۸۰ و با انتشار کتاب *استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم* شکل جدیدی به خود گرفت. لیکاف در مقام زبان‌شناس و جانسون در مقام فیلسوف در این تحقیق نظام‌مند و فراگیر، بنیان درک سنتی از این مفهوم را تماماً زیر سؤال بردند و به این نتیجه رسیدند که استعاره نه فقط آن چیزی است که در قالب واژه‌ها بازنمود دارد و تنها به مقوله ادبیات محدود می‌گردد، بلکه استعاره جزء ویژگی‌های نظام مفهومی ذهن ما است. همچنین کاربرد استعاره به زینت بخشیدن به کلام محدود نمی‌شود، بلکه استعاره امری فراگیر در زبان است که از طریق آن به درک عمیق‌تری از دنیا و پدیده‌های آن می‌رسیم. با این حال لیکاف و جانسون اولین کسانی نبودند که نظریه محوریت استعاره در زبان را مطرح کردند. پیش از آنها ردی^۱ (۱۹۷۹) نیز در نظریات خود به این موضوع اشاره کرده بود. آنچه اثر لیکاف و جانسون را از سایرین متمایز می‌کرد ارایه تحلیلی فراگیر و نظام‌مند با ارائه شواهد گوناگون در زبان بود.

^۱ - Reddy, M.

لیکاف (۱۹۸۷) همچنین در کتاب زنان، آتش و چیزهای خطرناک: آنچه مقوله‌ها در مورد ذهن آشکار می‌کنند^۱ و نیز در مقاله‌ای تحت عنوان نظریه معاصر استعاره^۲ (۱۹۹۳) به بسط آرای خود در باب نظام مقوله‌بندی ذهن و تکوین نظریه استعاره مفهومی پرداخت.

بسط رویکرد زبان‌شناسان شناختی و نگاهی جدید به حوزه استعاره را می‌توان در آثار کووچش^۳ دنبال کرد. از ویژگی‌های آثار این محقق مطالعه بر روی ارتباط بین زبان، تفکر و فرهنگ، تفاوت‌های بینا فرهنگی در استعاره و نیز زبان و تصویرسازی عواطف است که دو حوزه نخست به ترتیب در دو کتاب زبان، تفکر و فرهنگ^۴ (۲۰۰۶) و استعاره در فرهنگ، جهان شمولیت و تنوع^۵ (۲۰۰۵) و حوزه آخر در سه کتاب استعاره و عواطف^۶ (۲۰۰۰)، مفاهیم عاطفی^۷ (۱۹۹۰) و زبان عشق^۸ (۱۹۸۸) مورد بحث قرار گرفت. کتاب استعاره، معرفی کاربردی^۹ (۲۰۱۰) نیز از جمله کتاب‌های درخور توجه این محقق است.

توجه به نقش استعاره در بیان مفاهیم عاطفی در زبان فارسی هم مورد توجه قرار گرفته است. کریمی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان استعاره‌های مفهومی درد در گویش کردی ایلام از منظر معنی‌شناسی شناختی به مطالعه ساخت‌های استعاری پرداخت که هنگام بیان درد در یکی از گویش‌های کردی ایلام به کار می‌روند.

استفاده از پیکره‌های زبانی در مطالعات معنی‌شناسی از سابقه‌ای طولانی برخوردار نیست. با این حال این گونه پژوهش‌ها در سال‌های اخیر سرعت چشم‌گیری گرفته است. امروزه رویکرد پیکره‌ای به مطالعه استعاره طرفداران بسیاری در غرب پیدا کرده و پژوهش‌های فراوانی در این زمینه انجام شده است. از میان این پژوهش‌ها می‌توان به دیرون^{۱۰} (۱۹۹۴)، دینان و پاتر^{۱۱} (۲۰۰۴)، دینان (۲۰۰۵)، گریس^{۱۲} و استفانوویچ^{۱۳} (۲۰۰۶)، استفانوویچ (۲۰۰۶) و یان^{۱۴}، نویل^{۱۵} و ولف^{۱۶} (۲۰۱۰) اشاره کرد.

میزان استقبال پژوهشگران ایرانی در استفاده از پیکره‌ها در پژوهش‌های معنی‌شناختی اندک بوده است. امروزه با وجود پژوهش‌های درخور توجهی که با استناد به داده‌های برگرفته از پیکره انجام

¹ - *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*

² - *The Contemporary Theory of Metaphor*

³ - Kövecses, Z.

⁴ - *Language, Mind, and Culture: A Practical Introduction*

⁵ - *Metaphor in Culture: Universality and Variation*

⁶ - *Metaphor and Emotion: Language, Culture, and Body in Human Feeling*

⁷ - *Emotion Concepts*

⁸ - *The Language of Love: The Semantics of Passion in Conversational English*

⁹ - *Metaphor: A practical introduction*

¹⁰ - Dirven, R.

¹¹ - Potter, L.

¹² - Gries, S.

¹³ - Stefanowitsch, A.

¹⁴ - Yan, D.

¹⁵ - Noel, D.

¹⁶ - Wolf, H.

می‌پذیرد، این روند در مطالعات معنی‌شناختی زبان فارسی چندان به کار گرفته نشده است و چنانچه خواهیم دید، پژوهش‌های فراگیر و مبتنی بر پیکره، که به بررسی موضوعات معنی‌شناسی شناختی و به طور خاص نظریه استعاره مفهومی بپردازند، اندک است. با این حال، در سال‌های اخیر این رویکرد از سوی زبان‌شناسان ایرانی تا حدودی مورد توجه قرار گرفته و در حال گسترش است. در مجموع چهار مقاله «استعاره‌های مفهومی رنگ در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌بنیاد» به قلم افراشی و صامت (۱۳۹۱)، «استعاره‌های مفهومی شرم در شعر کلاسیک فارسی» از افراشی و مقیمی‌زاده (۱۳۹۱)، «رویکرد پیکره‌ای به مطالعات معنایی» از جهانگردی و طاهری (۱۳۹۰) و مقاله‌ای دیگر با عنوان «استعاره‌های هستی شناختی در دست‌نوشته‌های کودکان» به قلم معصومی و کردبچه (۱۳۸۹) و همچنین سه پایان‌نامه با عناوین بررسی تطبیقی استعاره مفهومی در زبان‌های فارسی و اسپانیایی از حسامی (۱۳۹۰)، تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی: مطالعه موردی سمک عیار از دیلمقانی (۱۳۹۱) و استعاره‌های مفهومی از منظر معنی‌شناسی شناختی: یک تحلیل پیکره مدار به قلم جولایی (۱۳۹۱) در این عرصه خودنمایی می‌کنند. احمدی (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ای به توصیف نحوه استخراج داده‌ها از پیکره با استفاده از روشی موسوم به ^۱MIPVU پرداخته است.

آنچه در سیر مطالعات معنی‌شناختی به ویژه در غرب مشهود است، استقبال از رویکرد پیکره‌مدار در برابر پیکره‌بنیاد است.

۳- ملاحظات نظری

۳-۱- استعاره مفهومی

از زمان شکل‌گیری زبان‌شناسی شناختی در دهه ۷۰ میلادی، استعاره همواره به عنوان موضوع کانونی این حوزه مطرح بوده است، چراکه به شکلی واضح به بیان رابطه میان ذهن و زبان می‌پردازد. نقطه آغاز نگاه جدید به استعاره در حوزه زبان‌شناسی شناختی را می‌توان رویکردی دانست که لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در کتاب *استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم*، مطرح کردند. این رویکرد در تقابل با نگاه سنتی به مقوله استعاره قرار داشت که آن را از ویژگی‌های کلام و به عنوان ابزاری آرایه‌ای در نظر می‌گرفت. در این رویکرد ساخت استعاره از ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر ذهن در نظر گرفته می‌شود که به منظور درک بهتر مفهومی انتزاعی از طریق مفهومی ملموس صورت می‌پذیرد (گرادی^۲، ۲۰۰۷: ۱۸۹).

استعاره‌های مفهومی در لایه ذهن مورد بررسی قرار می‌گیرند و همگی آنها بازنمود زبانی نمی‌یابند، بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و نمادها نیز حضور دارند، چراکه نظام مفهومی ذهن تا حدود قابل‌توجهی استعاری است (کووچش ۲۰۱۰: ۶۳). استعاره‌ها به عنوان ابزاری جهت ارتباط میان دو اندیشه مختلف در ذهن عمل می‌کنند. با این حال زبان‌شناسان به دنبال کشف نحوه عملکرد استعاره‌ها در ذهن از طریق

^۱ - Metaphor Identification Procedure Vrije Universiteit

^۲ - Grady, J.E.

بازنمودهای زبانی آن هستند. آنها الگوهای موجود در ساختار مفهومی واژه‌ها و عبارات استعاری را به عنوان شاهدهی جهت وجود استعاره‌های مفهومی نهفته در ذهن می‌دانند. استین^۱ (۱۹۹۴)، استعاره‌های نهفته در ذهن را استعاره‌های مفهومی و نمود زبانی آنها را استعاره‌های زبانی^۲ می‌نامد. به این ترتیب استعاره‌های زبانی بازنمود استعاره‌های ذهنی‌اند (دینان، ۲۰۰۵: ۱۴).

۳-۱-۱- نگاشت

اساسی‌ترین مسئله مطرح شده در نظریه استعاره مفهومی، نگاشت^۳ است. این اصطلاح که از حوزه ریاضیات به عاریت گرفته شده است به انطباق‌های استعاری میان مفاهیم مرتبط به هم اشاره دارد. برای مثال استعاره مفهومی [زندگی سفر است] را که در جمله زیر نهفته است در نظر بگیرید:

۱- خوشبخت کسی است که به راه راست می‌رود، خوشبخت‌تر آنکه از کودکی به این راه رفته و در بزرگی از رنج تاسف و حرمان برکنار باشد (حجازی، ۱۳۱۹: ۲۰).

در این جمله ما شاهد دو حوزه مفهومی هستیم. یکی حوزه ملموس سفر که حوزه مبدأ و دیگری مفهوم انتزاعی زندگی که حوزه مقصد است. در استعاره مفهومی [زندگی سفر است] اطلاعات از حوزه مبدأ بر حوزه مفهومی مقصد نگاشت می‌شود؛ بدین ترتیب که موانع مسیر به عنوان سختی‌های زندگی، انتخاب و تغییر مسیر به عنوان تصمیم‌گیری و تغییر رویه زندگی و مقصد به عنوان هدف زندگی در نظر گرفته می‌شود.

۳-۱-۲- طبقه‌بندی استعاره‌ها

در تقسیم‌بندی‌ای که لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، از انواع استعاره‌ها ارائه کرده‌اند، استعاره‌ها بر اساس کارکرد شناختی^۴ شان به سه دسته ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی تقسیم می‌شوند. طبقه‌ای دیگر تحت عنوان استعاره‌های تصویری بعدها توسط لیکاف و ترنر (۱۹۸۹) معرفی شدند.

۳-۱-۲-۱- استعاره‌های جهتی

با استعاره‌های جهتی که به سبب کارکرد شناختی‌شان به استعاره‌های انسجامی^۵ نیز شهرت دارند نوعی از مفاهیم مقصد به طور منسجم و هماهنگ در یک حوزه مفهومی قرار می‌گیرد و به کمک یکی از جهات، فضا- مکان توصیف می‌شود (کووچش، ۲۰۱۰: ۳۷). برای مثال، تمام مفاهیم زیر به کمک حوزه مبدأ «بالا» درک می‌شود، در حالی که جهت «پایین» عکس آن را بیان می‌کند.

۳- همواره می‌ترسد آن نردبانی را که زیر پایش گذاشته و او را از آن بالا برده‌اند از زیر پایش بکشند و وی را در تیه بدبختی و ناکامی **سرنگون** کنند (نفیسی، ۱۳۳۲: ۴۰). (بالا/پایین)

۴- [...] و لنگاری‌هایی که گاه فریاد فرمانفرما را **بلند** می‌کرد (بهنود، ۱۳۷۴: ۴۱). (بالا/پایین)

¹ - Steen, G.

² - linguistic metaphors

³ - mapping

⁴ - cognitive function

⁵ - coherence metaphors

۵- گروه‌گروه مردم از طبقه پست را پر و بال داده یا جاه‌طلبی آنها را راضی کرده‌اند(نفیسی، ۱۳۳۲: ۱۱).
(بالا/ پایین)

به بیان ساده‌تر، استعاره‌های جهتی با مفاهیمی که نشان‌دهنده جهت و موقعیت مکانی‌اند نظیر «بالا-پایین»، «درون- بیرون»، «جلو- عقب»، «عمق- سطح» و «مرکز- حاشیه» در ارتباط‌اند. به عنوان نمونه‌هایی دیگر به مثال‌های زیر توجه کنید:

۶- اما دلم می‌خواهد عقیده مهری را درباره مهین در پشت سر او و عقیده مهین را درباره مهری در غیابش بشنود(نفیسی، ۱۳۳۲: ۱۱). (عقب/ جلو)

۷- همه چیز در اراده ما بود (نادری، ۱۳۴۵: ۴۰). (درون/ بیرون)

۸- کمی قبل از دقیقه‌ای که در یک خواب عمیق و تهی غوطه‌ور بشود(هدایت، ۱۳۱۵: ۵۱). (عمق/ سطح)
این دسته استعاره‌ها از ساختار مفهومی چندانی برخوردار نیستند. باید توجه داشت که اگرچه این استعاره‌ها دلبخواهی نیستند و از تجارب فیزیکی ما ناشی می‌شوند، می‌توانند بسته به فرهنگ‌های مختلف تغییر کنند. برای مثال کووچش(۲۰۱۰: ۴۱-۴۲) در پژوهشی به مقایسه استعاره‌های مفهومی [زمان افقی است] در برابر [زمان عمودی است] پرداخته است و چنین نتیجه می‌گیرد که در ذهن انگلیسی‌زبانان زمان افقی است، حال آنکه در ذهن سخن‌گویان چینی ماندارین زمان عمودی است.

۳-۲- زبان‌شناسی پیکره‌ای

در زبان‌شناسی، پیکره مجموعه‌ای از متون نوشتاری یا آوانویسی‌شده است که می‌توان آن را به عنوان مبنایی برای تحلیل و توصیف زبان به کار برد(کندی^۱، ۱۹۹۸: ۱). اما همان‌طور که میر^۲(۲۰۰۲) بیان می‌کند، امروزه پیکره به حجم نسبتاً عظیمی از متون اطلاق می‌گردد که قابل استفاده در رایانه باشد. امروزه تکیه بر داده‌های واقعی زبانی به صورت گسترده‌ای رواج یافته است و شرط اساسی بسیاری از پژوهش‌های نظری و کاربردی مانند نظریه‌پردازی و توصیف ساختمان زبان، گویش‌شناسی، دستور نویسی و فرهنگ‌نگاری به شمار می‌آید(عاصی، ۱۳۸۲: ۲).

۳-۲-۱- رویکرد پیکره‌بنیاد و رویکرد پیکره‌مدار

بونلی^۳ (۲۰۰۱)، میان دو رویکرد در مطالعات پیکره‌ای تمایز قایل می‌شود: رویکرد پیکره‌بنیاد^۴ و رویکرد پیکره‌مدار. در رویکرد پیکره‌بنیاد، محقق کارش را با اصول و نظریاتی از پیش تعیین‌شده آغاز می‌کند و سپس در تایید این نظریات در پیکره به جستجوی شواهدی می‌گردد. در مقابل، در رویکرد پیکره‌مدار محقق هیچ پیش‌فرضی از آنچه دست‌خواهد یافت ندارد. او پیکره را محور مطالعات خود قرار می‌دهد و اجازه می‌دهد تا قوانین و دسته‌بندی‌های بدیع در خلال پژوهش، خود را نشان دهند(دینان، ۲۰۰۵: ۸۹).

¹ - Kennedy, G.

² - Meyer, C.

³ - Tonini-Bonelli, E.

⁴ - Corpus based Approach

۴- روش استخراج داده‌ها از درون پیکره

در حال حاضر هیچ‌گونه شیوه تمام‌رایانشی که به کمک آن بتوان اقدام به جمع‌آوری استعاره‌ها از درون پیکره و تشخیص استعاره‌های مفهومی نهفته در آنها نمود، وجود ندارد. اما این بدان معنا نیست که نمی‌توان از پیکره‌ها و شیوه‌های رایانشی در مطالعه استعاره‌های مفهومی بهره برد. استفانوویچ (۲۰۰۶)، در مقدمه‌ای بر کتاب رویکرد پیکره بنیاد در بررسی استعاره و مجاز^۱ به معرفی برخی از متداول‌ترین این روش‌ها پرداخته است که از میان آنها سه روش زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند:

۱- جستجوی دستی ۲- جستجو به دنبال واژه‌های حوزه مبدأ ۳- جستجو به دنبال واژه‌های حوزه مقصد نگارندگان در این پژوهش روش جستجوی دستی را برگزیدند. در این روش پژوهشگر به مطالعه تمام و کمال متن مورد بررسی می‌پردازد و به استخراج تمام استعاره‌ها از درون آن اقدام می‌کند. از آنجا که به کارگیری این روش مستلزم صرف وقت و انرژی زیاد است، لذا متون مورد بررسی یا به عبارتی حجم پیکره کاهش می‌یابد (استفانوویچ، ۲۰۰۶: ۲)، اما به دلایلی که شرح داده خواهد شد، شیوه جستجوی دستی مناسب‌ترین روش برای پاسخ به سوالات این پژوهش است.

۵- معرفی روش پژوهش

رویکرد این پژوهش به مطالعات پیکره‌ای، رویکرد پیکره‌مدار است؛ یعنی پژوهشگر کار خود را بدون پیش‌فرضی از وجود انواع نام‌نگاشت‌ها و حوزه‌های مبدأ در طبقه استعاره‌های جهتی و همچنین انواع استعاره‌ها در کل پیکره آغاز کرد و در این مسیر حوزه خاصی از استعاره‌ها انتخاب نشد، بلکه سعی بر آن بود تا با انتخاب پیکره نمونه از زبان فارسی معاصر، همه استعاره‌های موجود در آن به شیوه‌ای فراگیر و نظام‌مند استخراج شود. روش‌های جستجو به دنبال واژه‌های حوزه مبدأ و جستجو به دنبال واژه‌های حوزه مقصد، جوابگوی نیاز پژوهش حاضر نبودند، در نتیجه شیوه جستجو و استخراج دستی داده‌ها برگزیده شد. این روش گرچه مستلزم صرف وقت بسیار زیاد است و ناگزیر به محدود شدن پیکره می‌انجامد، اما در حال حاضر دقیق‌ترین راه برای پاسخگویی به نیازهای این پژوهش است.

مسئله دیگر حجم پیکره، نوع متون انتخابی و نحوه متوازن کردن پیکره است. در مورد حجم پیکره واضح است که هر چه پیکره مورد بررسی گستردگی بیشتری داشته باشد و متونی با تنوع سبکی و سیاقی بیشتری از دوران معاصر انتخاب و داده‌های بیشتری تحلیل شوند، نتیجه حاصل با اطمینان بیشتری قابل تعمیم به کل زبان فارسی خواهد بود. اما چنانچه شرح آن داده شد، به دلیل انتخاب شیوه دستی برای این پژوهش به ناچار مجموعه‌ای محدود از متون، قابل بررسی است. با این حال اگر همین پیکره محدود، به نحوی آگاهانه انتخاب گردد و توازن یابد، نتایج آن می‌تواند تا حدود زیادی قابل تعمیم به کل زبان باشد.

¹ - *Corpus-Based Approaches to Metaphor and Metonymy*

در انتخاب متون سعی شده است تا از متون معاصر زبان فارسی بهره برده شود و نثر آن دسته از نویسندگانی برگزیده شود که ساده و روان است و شباهت بیشتری به آنچه در زبان روزمره جامعه می‌گذرد، داشته باشد. به منظور ایجاد پیکره‌ای متوازن که از تنوع نسبتاً قابل‌قبولی برخوردار باشد، مجموعه‌ای از ۱۰ متن معاصر و از هر متن ۲۰ صفحه انتخاب شد که در مجموع پیکره‌ای در حدود ۲۰۰ صفحه را شامل گردید. این ۱۰ متن که از پایگاه داده‌های زبان فارسی استخراج شدند، عبارتند از: اندیشه (حجازی، ۱۳۱۹)، این سه زن (بهنود، ۱۳۷۴)، بار دیگر شهری که دوست می‌داشتیم (ابراهیمی، ۱۳۴۵)، بوف کور (هدایت، ۱۳۱۵)، خاک و آدم (جمالزاده، ۱۳۴۰)، سخن‌ها را بشنویم (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۹)، سووشون (دانشور، ۱۳۴۸)، سازده / احتجاج (گلشیری، ۱۳۴۸)، مدیر مدرسه (آل احمد، ۱۳۳۷)، نیمه‌راه بهشت (نفیسی، ۱۳۳۲).

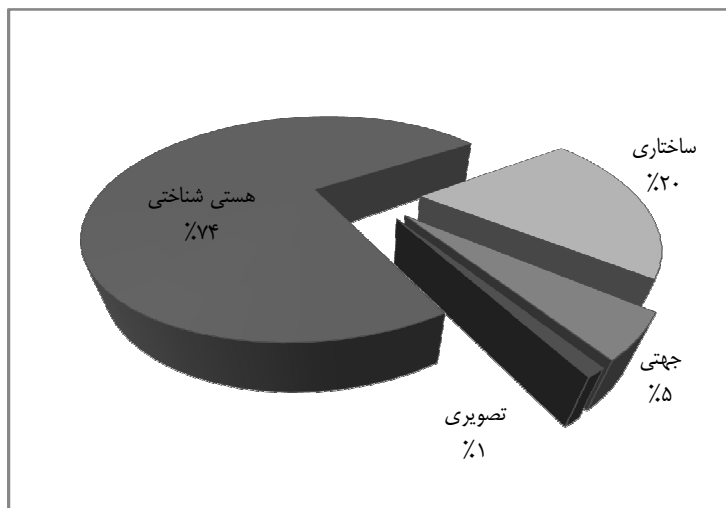
مسئله دیگر، نحوه نمونه‌برداری از هر متن است. زبان‌شناسان پیکره‌ای نمونه‌برداری را با هدف ایجاد توازن در پیکره انجام می‌دهند. با این حال نمونه‌برداری از یک پیکره این خطر را دارد که نمونه انتخابی به خوبی نماینده ویژگی‌های زبانی کل متن نباشد. برای مثال، چنانچه در این پژوهش مشاهده شد، تراکم استعاره‌های مفهومی در صفحات آغازین متون مورد بررسی در مقایسه با صفحات میانی بیشتر است. بنابر این اگر در نمونه‌گیری از هر متن ۲۰ صفحه ابتدایی آن در نظر گرفته می‌شد، خطر برداشت‌های نادرست به لحاظ تعداد و انواع استعاره‌های مفهومی، نتایج این پژوهش را تهدید می‌کرد. از سوی دیگر، چنانچه گفته شد به جای استفاده از متون کامل - به دلیل عدم وجود شیوه‌ای رایجی در استخراج و تحلیل استعاره‌ها - پژوهشگر به ناچار بر آن شد تا از متون نمونه‌گیری کند، اما با ترفندی متفاوت؛ بدین صورت که از هر ۱۰ صفحه، ۲ صفحه نمونه‌گیری شد تا در مجموع با انتخاب ۲۰ صفحه از هر متن توازن پیکره حفظ گردد.

صفحات انتخابی به دقت مطالعه و استعاره آنها استخراج و سعی شد تا استعاره مفهومی نهفته در پس آنها مشخص شود. در گام بعدی این استعاره‌ها در چارچوب نظری لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) طبقه‌بندی شدند و تلاش گردید تا گزارش آماری از هر یک از استعاره‌ها در هر یک از متون و در کل پیکره و همچنین متداول‌ترین حوزه‌های مبدأ در طبقه استعاره‌های جهتی در کل پیکره ارائه گردد.

۶- تحلیل داده‌ها

۶-۱- نسبت انواع طبقات استعاره‌های مفهومی

در مجموع از میان ۲۰۰ صفحه‌ای که نمونه‌گیری شد، در حدود ۱۴۰۰ جمله حاوی استعاره‌های مفهومی استخراج گردید که در مجموع ۱۹۹۱ مورد استعاره را شامل می‌شدند. در این میان، استعاره‌های هستی‌شناختی با ۷۴ درصد از کل انواع استعاره‌های مفهومی از بیشترین بسامد وقوع برخوردار بودند و استعاره‌های ساختاری با ۲۰ درصد، جهتی با ۵ درصد و تصویری با ۱ درصد به ترتیب در رده‌های بعدی قرار داشتند. نمودار ۱ درصد هریک از طبقات استعاره‌های مفهومی درون پیکره را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- بسامد وقوع انواع استعاره‌های مفهومی

۶-۱-۱- استعاره‌های مفهومی جهتی

از میان ۱۰۲ مورد استعاره جهتی که در قالب ۹ نام‌نگاشت یافت شدند، پربسامدترین نام‌نگاشت [بیشتر بالا است، کمتر پایین است] با ۲۲ مورد وقوع بود و نام‌نگاشت [منزلت بالا است، بی‌منزلی پایین است] در رده بعدی قرار داشت.

تکرار در پیکره	نام‌نگاشت	تکرار در پیکره	نام‌نگاشت
۴	بیشتر عمیق‌تر است، کمتر سطحی‌تر	۲۲	بیشتر بالا است، کمتر پایین است
۴	آگاهی بالا است، عدم آگاهی پایین	۸	منزلت بالا است، بی‌منزلی پایین است
۳	معنویات بالا هستند، مادیات پایین هستند	۴	مواجه‌شدن روبرو است، عدم‌مواجه پشت است
۳	قوی‌تر بالا است، ضعیف‌تر پایین است	۴	تحت‌کنترل زیر است، کنترل‌کننده رو است

جدول ۱- پربسامدترین نام‌نگاشت‌های استعاره‌های مفهومی جهتی در پیکره

در زیر چند نمونه از پیکره ارائه می‌شود:

[بیشتر بالا است، کمتر پایین است]

۱- این امر از روی ناچاری، میزان توقع انسان امروز را نسبت به هم‌نوعش پائین آورده است (حجازی، ۱۳۱۹: ۳۰).

۲- ... و دو روز در امامزاده هاشم ماندند تا بوران فرو نشست (بهنود، ۱۳۷۴: ۲).

[منزلت بالا است، بی‌منزلی پایین است]

۳- این گروه از پست‌ترین بیغوله‌ها به بالاترین پله‌های نردبان اجتماع رفتند و اینک چاره ندارند جز آنکه آن طبع پست و آن نهاد ناساز را جامه حریر و زربفت بپوشند (نفیسی، ۱۳۳۲: ۱۱).

۴- مثل آن بود که یک گردن از تو درازتر شده‌ام، خودم را در بلندی و سایرین را در پستی تصویری کردم (حجازی، ۱۳۱۹: ۲۰).

[قوی‌تر بالا، ضعیف‌تر پایین است]

۵- از وزیر هم بالاتر (آل احمد، ۱۳۳۷: ۸۰).

[آگاهی بالا، عدم آگاهی پایین است]

۶- در شهر اخلاق و فلسفه بیاویزید و از آن بالا ببینید و قضاوت کنید (حجازی، ۱۳۱۹: ۲).

[مواجه شدن روبرو، عدم مواجه پشت سر است]

۷- مگر می‌توان تک و تنها با امتحان روبرو شد؟ (آل احمد، ۱۳۳۷: ۸۱).

[بیشتر عمیق‌تر است، کمتر سطحی‌تر]

۸- کمی قبل از دقیقه‌ای که در یک خواب عمیق و تهی غوطه‌ور بشوم (هدایت، ۱۳۱۵: ۵۱).

همچنین پس از بررسی پیکره نمونه، حوزه مبدأ «بالا و پایین» با اختلافی قابل توجه نسبت به سایر انواع، از بیشترین بسامد وقوع برخوردار بود. بسامد سایر انواع حوزه‌های مبدأ در طبقه استعاره‌های جهتی در جدول ۲ قابل مشاهده است.

تکرار در پیکره	حوزه مبدأ	تکرار در پیکره	حوزه مبدأ
۳	مقابل و کنار	۶۶	بالا و پایین
۳	در جهت و مخالف جهت	۸	روبرو و پشت
۱	باز و بسته	۷	داخل و خارج
۱	مرکز و حاشیه	۷	عمق و سطح
		۶	زیر و رو

جدول ۲- بسامد وقوع حوزه‌های مبدأ در استعاره‌های مفهومی جهتی

حوزه مبدأ مقابل و کنار

۹- در سخنرانی خود از دولت خواست تا از ملت کمک بگیرد و در مقابل هرج و مرج‌ها بایستد تا مشکل با حکومت شوراها حل شود (بهنود، ۱۳۷۴: ۹۰).

حوزه مبدأ داخل و خارج

۱۰- همه چیز در اراده ما بود (ابراهیمی، ۱۳۴۵: ۴۰).

حوزه مبدأ در جهت و مخالف جهت

۱۱- اگر کسی استدلال‌ها و استشمام‌هایی در جهت عکس این نظر برداشته (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۹: ۸۰).

حوزه مبدأ مرکز و حاشیه

۱۲- اگر مجلس دایر می‌بود و اگر سیاست مملکت مرکز ثابتی داشت، بسیاری از مشکلات متوجه مملکت نمی‌شد (پهنود، ۱۳۷۴: ۹۰).

۷- نتایج فرعی

در پژوهش پیکره‌مدار، آنچه هم‌راستا با پاسخ به سوالات پژوهش اهمیت دارد، نتایج فرعی است که از این تحلیل‌ها حاصل می‌شود. برای مثال، از خلال تحلیل‌های پیکره‌مدار می‌توان به نقد برخی نظریه‌های کلان زبان‌شناسی، از جمله نظریه استعاره مفهومی دست زد. همچنین نگارندگان در این پژوهش به این نتیجه رسیدند که در پژوهش‌های پیکره‌مدار در زبان فارسی، باید در طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) از انواع استعاره‌های مفهومی بازنگری شود.

۷-۱- نقض اصل یک‌سویی

یکی از مفاهیم مطرح در نظریه استعاره مفهومی، اصل یک‌سویی است. این اصل بیان می‌دارد که در استعاره‌های مفهومی، فهم مفاهیم انتزاعی و پیچیده از طریق مفاهیم ملموس‌تر و ساده‌تر صورت می‌گیرد، ولی عکس آن رخ نمی‌دهد (کووچش، ۲۰۱۰: ۳۲۹). اما داده‌های پیکره‌مدار در زبان فارسی در مواردی با این ادعا در تناقض بودند. برای مثال مشاهده شد که مفهوم ملموس «انسان» از طریق برخی مفاهیم ملموس دیگر بیان شده است:

انسان	اسباب بازی	آب	بنا	پرنده	حیوان
	شیء	غذا	کالا	گیاه	دریا

[انسان بنا است]

۱۳- چیز دندان‌گیری شاید، که با آن می‌توان فخرالنسای را از سر نو ساخت (گلشیری، ۱۳۴۸: ۲۱).

۱۴- تا تو فقط بنشین و خودت را درست کنی (گلشیری، ۱۳۴۸: ۶۱).

[انسان شیء است]

۱۵- معلوم شد که خودش و زن و بچه‌اش سرجه‌از مدرسه‌اند (آل احمد، ۱۳۴۰: ۱۰).

۱۶- به امت قسم، می‌ترسم روی دستم بماند (گلشیری، ۱۳۴۸: ۱۰).

[انسان گیاه است]

۱۷- فلانی را دیدم کسل و پژمرده (حجازی، ۱۳۱۹: ۷۰).

۱۸- با این نک‌ونالی که کرد خودش را کنفت (پژمرده) کرده (آل احمد، ۱۳۴۰: ۱).

۷-۲- لزوم بازنگری طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در پژوهش‌های

پیکره‌مدار

در خلال پژوهش این نتیجه حاصل شد که طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) از انواع استعاره‌های مفهومی، پاسخگوی مناسبی جهت دسته‌بندی انواع استعاره‌ها در پژوهش پیکره‌مدار نیست، چراکه پژوهشگر را با دو مشکل اساسی روبرو می‌کند:

۱- عدم وجود معیاری مشخص در تعیین نوع نام‌نگاشت

برای مثال جمله زیر را در نظر بگیرید:

۱۹- مرد استوار یعنی کسی که مقصود نیک و ممدوحی را دنبال می‌کند، در هر حال و روزگار که باشد، از خودش خوشنود و مورد احترام دیگران است (حجازی، ۱۳۱۹: ۷۰).

به وضوح نمی‌توان گفت که استعاره مفهومی نهفته در این جمله [اهداف/آرزوها مقصد است] باشد و یا اینکه باید استعاره مفهومی عام‌تر [زندگی سفر است] در نظر گرفته شود. این سردرگمی در مواجهه با حجم عظیمی از داده‌ها و مقایسه موارد مشابه دو چندان می‌گردد.

۲- عدم وجود مرزی مشخص میان استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری در برخی موارد

وقتی تعیین انواع طبقات استعاره‌های مفهومی در پژوهشی پیکره‌مدار مورد نظر است، تعیین مرزی مشخص برای تفکیک استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری در برخی موارد کار دشواری است. برای مثال در تقسیم‌بندی انواع استعاره‌های مفهومی، انسان‌پنداری به عنوان یکی از نمونه‌های بارز انواع استعاره‌های هستی‌شناختی بیان شده است (کووچش، ۲۰۱۰: ۳۹). این فرض در بسیاری از موارد صحیح به نظر می‌رسد، اما در مواجهه با مواردی پژوهشگر را دچار تردید می‌کند. برای مثال استعاره مفهومی [جامعه انسان است] را که در جملات زیر بازنمود یافته، در نظر بگیرید:

۲۰- هدف یک جامعه نمی‌تواند آن باشد که [...] (حجازی، ۱۳۱۹: ۲۰).

۲۱- [جامعه ایرانی] بر اثر همین خاصیت خود را تا به امروز کشانده است (حجازی، ۱۳۱۹: ۲).

نظر به شواهد فوق، معرفی استعاره مفهومی [جامعه انسان است] به عنوان هستی‌شناختی بدیهی به نظر می‌رسد، اما اگر بخواهیم این دو مورد را در کنار مواردی که سخنوران برای جامعه روح، چشم، گوش و یا احساس و عواطف (نظیر خشم و شور و درد و سردرگمی و...) قایل می‌شوند قرار دهیم، آنگاه این طبقه‌بندی مورد تردید قرار می‌گیرد.

۲۲- ... و از همه بدتر آشفته‌گی فرهنگی و نفاق و سردرگمی [جامعه] هستند (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۹: ۲).

۲۳- در جوامع بسته و بی‌روح که مردم سرشان را پیش می‌اندازند و خشک و عبوس می‌گذرند... (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۹: ۳۰).

۲۴- هیچ اصلاحی حتی توسعه علم و فرهنگ و نظم و ترتیب ادارات و [...] و غیره و غیره درد اصلی [اجتماع] را دوا نخواهد کرد (جمالزاده، ۱۳۴۰: ۴۰).

بنابراین همانطور که مشاهده می‌شود، ممکن است طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در بسیاری موارد کارآمد به نظر برسد، اما در مواجهه با حجم عظیمی از داده‌های پیکره‌مدار با اشکالاتی روبرو می‌گردد.

۸- نتیجه‌گیری

چنانچه از نتایج حاصل از داده‌های پیکره‌مدار در پیکره متوازن از زبان فارسی مشاهده شد، استعاره‌های مفهومی، ابزار پویا و فراگیری برای درک مفاهیم انتزاعی در زبان فارسی محسوب می‌شوند. در این میان استعاره‌های هستی‌شناختی با ۷۴ درصد از کل انواع استعاره‌های مفهومی بیشترین کاربرد را در زبان فارسی داشتند و استعاره‌های ساختاری با ۲۰ درصد، جهتی با ۵ درصد و تصویری با ۱ درصد به ترتیب در رده‌های بعدی قرار داشتند. در طبقه استعاره‌های جهتی پنج حوزه مبدأ «بالا و پایین» با ۶۶ مورد وقوع، «روبرو و پشت» با ۸ مورد وقوع، «داخل و خارج» با ۸ مورد وقوع، «عمق و سطح» با ۷ مورد وقوع و «زیر و رو» با ۷ مورد وقوع از پرکاربردترین حوزه‌های مبدأ مورد استفاده در این طبقه از استعاره‌ها بودند. در خلال این پژوهش یکی از مفاهیم مطرح در نظریه استعاره مفهومی به نام اصل یکسوگی در مواردی در زبان فارسی مورد تردید قرار گرفت. همچنین نگارندگان به این نتیجه رسیدند که طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) از انواع استعاره‌های مفهومی، پاسخگوی مناسبی جهت دسته‌بندی انواع استعاره‌ها در پژوهش پیکره‌مدار در زبان فارسی نیست و لازم است در این طبقه‌بندی بازنگری به عمل آید.

منابع

- احمدی، امیر (۱۳۸۹). «تشخیص استعاره‌های زبان‌شناختی با استفاده از MIPVU»، پازند، ش ۲۲ و ۲۳، ص. ۷-۱۷.
- افراشی، آریتا و سجاد صامت (۱۳۹۱). «استعاره‌های مفهومی رنگ در زبان فارسی: رویکردی شناختی-پیکره بنیاد»، هشتمین همایش زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی
- افراشی، آریتا و محمد مهدی مقیمی زاده (در دست چاپ). «استعاره‌های مفهومی شرم در شعر کلاسیک فارسی»، مجله علمی پژوهشی زبان‌شناخت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جهانگردی، کیومرث و مرتضی طاهری (۱۳۹۰). «رویکرد پیکره‌ای به مطالعات معنایی» در مجموعه مقالات دومین کارگاه معنی‌شناسی/انجمن زبان‌شناسی، به کوشش آریتا افراشی، تهران: انجمن زبان‌شناسی ایران و نشر اهورا.
- جولایی، کامبیز (۱۳۹۱). استعاره‌های مفهومی از منظر معنی‌شناسی شناختی: یک تحلیل پیکره‌مدار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسامی، تورج (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی در زبان‌های فارسی و اسپانیایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- دیلمقانی، سمیرا (۱۳۹۱). تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی؛ مطالعه موردی سمک عیار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

عاصی، مصطفی (۱۳۸۲). «از پیکره زبانی تا زبان‌شناسی پیکره‌ای»، مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

کریمی، وحیده (۱۳۹۱). *استعاره‌های مفهومی درد در گویش کردی ایلام از منظر معنی‌شناسی شناختی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

معصومی، علی و مریم کردبچه (۱۳۸۹). «استعاره‌های هستی‌شناختی در دستنوشته‌های کودکان»، *پازند*، ۲۲ و ۲۳، ص. ۷۹-۹۸.

- Deignan, A. (2005). *Metaphor and Corpus Linguistics: Converging Evidence in Language and Communication Research*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publication Company.
- Deignan, A. (2008) "Corpus Linguistics and Metaphor", *The Cambridge Handbook of Metaphor and Thought*, Gibbs R (eds.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Grady, J. E. (2007). "Metaphor", in Geeraerts, D. and Cuyckens, H. (eds) *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. Oxford: Oxford University Press, s. 188-213.
- Gries, S. Th. and A. Stefanowitsch (eds.) (2006). *Corpora in Cognitive Linguistics. Corpus-based Approaches to Syntax and Lexis*. Berlin / New York: Mouton de Gruyter.
- Kennedy, G. (1998). *An Introduction to Corpus Linguistics*. London: Longman.
- Kövecses, Z. (1988). *The Language of Love: The Semantics of Passion in Basingstoke, Hampshire: Palgrave Macmillan*.
- Kövecses, Z. (2000). *Metaphor and Emotion: Language, Culture, and Body in Human Feeling*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (1990). *Emotion Concepts*. New York: Springer Verlag.
- Kövecses, Z. (2005). *Metaphor in Culture: Universality and Variation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction*, 2nd. Edition, Oxford: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2006). *Language, Mind, and Culture: A Practical Introduction*. New York: Oxford University Press.
- Lakoff, G. (1987). *Women, Fire, and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago, IL: University of Chicago Press
- Lakoff, G. (2003[1980]). *Metaphors: We live by*. Chicago, IL: University of Chicago Press.

- Lakoff, G. (1993a). The Contemporary Theory of Metaphor. In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and Thought* (pp. 202–251). Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G. and M. Turner (1989). *More Than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Meyer, C. (2002). *English Corpus Linguistics: An Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Reddy, M. J. (1979/1993). “The Conduit Metaphor: A Case of Frame Conflict in our Language about Language”. In Andrew Ortony (Ed.), *Metaphor and Thought* (pp. 164–201). Cambridge: Cambridge University Press. [First/second edition].
- Steen, G. J. (1994). *Understanding Metaphor in Literature: An Empirical Approach*. London: Longman.
- Stefanowitsch, A. (2006). Corpus-based Approaches to Metaphor and Metonymy. In *Corpus-Based Approaches to Metaphor and Metonymy*. Ed. By Anatol Stefanowitsch and Stefan Th. Gries. Berlin/New York: Mouton de Gruyter.
- Tognini-Bonelli, E. (2001). *Corpus Linguistics at Work*. John Benjamins Publishing Company, Amsterdam and Philadelphia

فهرست کتاب‌های مورد استفاده در پیکره

- ابراهیمی، نادر (۱۳۴۵). *بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم*، اراک: طرّفه.
- اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۶۹). *سخن‌ها را بشنویم*، تهران: انتشار.
- آل احمد، جلال (۱۳۳۷). *مدیر مدرسه*، تهران: امیرکبیر.
- بهنود، مسعود (۱۳۷۴). *این سه زن*، تهران: نشر علم.
- جمالزاده، محمد علی (۱۳۴۰). *خاک و آدم*، تهران: کانون معرفت.
- حجازی، محمد (۱۳۱۹). *اندیشه*، تهران: امیرکبیر.
- گلشیری، هوشنگ (۱۳۴۸). *سازده/حتجاب*، تهران: کتاب زمان.
- دانشور، سیمین (۱۳۴۸). *سووشون*، تهران: خوارزمی.
- نفیسی، سعید (۱۳۳۲). *نیمه راه بهشت*، تهران: امیرکبیر.
- هدایت، صادق (۱۳۱۵). *بوف کور*، تهران: جاویدان.

سازده